

اولین شهید روحانی دفاع مقدس چگونه به شهادت رسید؟

روایتی از رشادت‌های حجت‌الاسلام شهید محمدحسن شریف‌قنوتی

اولین روحانی شهید دفاع مقدس

روحانی مجاهد، شهید محمدحسن شریف‌قنوتی، تنهاترین سردار، فرمانده نیروهای پارتیزانی در بروجرد، آبادان و خرمشهر. فرمانده جان‌برکفان گروه الله‌اکبر، اولین روحانی مجروح، اسیر و شهید دفاع مقدس در معرکه جنگ. شهید حماسه، رشادت، فریاد و مقاومت که پس از مقاومتی جانانه و بی‌نظیر، تا آخرین نفس، شکوه حماسه حسینی را پاس داشت و با لبی تشنه، چهره‌ای ارغوانی و محاسنی آغشته‌به‌خون به ملاقات خدا و پیامبرش شتافت و در غروب غم‌باری، بدون غسل و کفن، با همان قبای خونین دفن شد. او عالمی ربانی، مجاهدی نستوه، عارفی کم‌نظیر و زاهدی بی‌بدیل بود.



• **تنهاترین سردار**

حجت‌الاسلام شهید شریف‌قنوتی به‌گونه‌ای استواربود که گویا زمین زیرپایش به‌لرزه درمی‌آمد. در میدان جنگ با خطابه‌هایی آتشین با یک شوروهیجان و با یک حالت عجیبی فریاد می‌زد و می‌گفت: رزمندگان اسلام! پیش به سوی بهشت که زیباترین دختران بهشت در انتظار شمایند. امروز دری از درهای بهشت به روی شهر شما باز شده. امروز خمینی تنهاست. اگر امام حسین علیه السلام علی‌اکبر داده، امام خمینی هم،آقامصطفی داده. شهید شریف‌قنوتی وقتی وعظ می‌کرد، یک تصویر روشنی از آخرت ترسیم می‌کرد و می‌گفت: خدا و امام زمان علیه السلام از شما راضی هستند. کربلا در انتظار شماست. شما فکر نکنید که می‌میرید. شما در جوار رحمت الهی، از نعمات الهی برخوردار خواهید بود. گاهی که نیرو کم می‌آورد، می‌آمد مقابل مسجد جامع خرمشهر و با صدای بلند فریاد می‌زد: کیست که ما را یاری کند؟! وقتی که رزمندگان ایشان را با آن شوروحوال می‌دیدند که با لباس روحانی این‌گونه برای اسلام تلاش می‌کند، در وجودشان خیلی تأثیر می‌گذاشت؛ لذا همه سعی می‌کردند که در رکابش باشند و با او به جهاد با دشمنان خدا بوند. شیخ برای رزمندگان در حکم فرماندهی بود که معرکه‌های بسیاری را پشت سر گذاشته بود.

• **صحنه جنگ خرمشهر**

در روز ۲۴مهرماه ۱۳۵۹ با گذشت ساعاتی از روز، درحالی‌که مدا فغان خرمشهر با وجود قلت عده و عُده به مقابله مشغولند. یگانی از نیروهای دشمن با راهنمایی ستون پنجم، غافل‌گیرانه خود را به خیابان چهل‌متری رسانده است و با استقرار تیربار در چند نقطه و موضع‌گیری تک‌تیراندازان در ساختمان‌های مسلط بر این خیابان، محور مرکزی شهر و اصلی‌ترین راه پشتیبانی و تردد نیروهای درگیردر کوی طالقانی(شمال چهل‌متری)، کوی بندر و استادیوم را می‌بندد. نیروهای دشمن با کمین در نزدیکی خیابان چهل‌متری ماشین‌ها و افرادی را که از این مسیر تردد می‌کنند، زیرِ رگبار می‌گیرند. مهاجمان جلا، پس از تیراندازی و انهدام ماشین‌ها، به سراغ سرنشینان می‌روند. اگر کسی زنده مانده باشد، او را وحشیانه به شهادت می‌رسانند. این‌گونه است که شهید شریف‌قنوتی در همین مسیر و با همین شیوه نابکارانه و با بدترین وضع ممکن و شاید بی‌نظیرترین نوع جنایت، به شهادت می‌رسد. در این ماجرای خونین، چند نفر

از همراهان شهید که ناظر صحنه شهادت و رشادت شهید قنوتی بوده‌اند، نجات می‌یابند تا شاهد و راوی شهادت مردی از تبار عاشورائیان باشند.

• **شهر خرمشهر، خونین‌شهر شد**

این روحانی شهید به‌همراه یاران اندک خود، حماسه می‌آفریند و کربلایی دیگر را رقم می‌زدند. صحنه دل‌خراشی بود، شهر نیمه‌ویران، بوی باروت، فضای شهر را پُر کرده بود. بازار صیف و بعضی از خانه‌ها در آتش می‌سوخت. هر از گاهی از گوشه و کنار، صدای ناله مجروحی شنیده می‌شد. تیرها و دکل‌های برق شکسته، خیابان‌ها پوشیده از ماشین‌های گلوله‌باران‌شده، آجر شکسته‌های خانه‌ها و بناها و سیم دکل‌های برق و... صدای گلوله‌ها و خمپاره‌ها و توپ‌ها لحظه‌ای قطع نمی‌شد. صحنه جنگ وصف‌ناپذیر و هیچ قلم و بیانی نمی‌تواند آن را توصیف کند.

در این حال شیخ فریاد می‌زد: ای رزمندگان به پیش که حوریان بهشت در انتظار شمایند.

• **شهید شریف‌قنوتی و اسارت از زبان هم‌رزمش، رضا آلبوغیش**

شیخ شریف هرچه به شهادت نزدیکتر می‌شد، بر نوانیت چهره‌اش افزوده می‌شد، آری! او با آفایش امام حسین علیه السلام اقتدا کرده بود، نشاط و اطمینان در سیمایش مشهود بود.

به همراه او از پل گذشتیم و داخل خرمشهر شدیم، میدان



فرمانداری را دور زدیم و داخل خیابان چهل‌متری شدیم. گفت: نباید بگذاریم خرمشهر سقوط کند. درخیابان چهل‌متری نزدیکی‌های مقر گروه الله‌اکبر چند نفر سرباز دیدیم، اول خیال کردیم، ایرانی هستند، بلافاصله به من ایست دادند و گفتند: قف! به شهید شریف گفتم: آقا اینها عراقی هستند؟ آنها در این حال بدون تأمل مارا به رگبار بستند. چندگلوله به بدن و گردن شیخ و یک گلوله هم به زانوی من اصابت کرد. در همین لحظه گلول. آر.بی. جی به لاستیک چرخ عقب ماشین اصابت کرد و منفجر شد. کنترل ماشین از دست رفت و واژگون شد. بعد از دوبار غلتیدن روی سقف به جدول کنار بلوار اصابت کرد و باز به‌حالت اول برگشت. ما تا خودمان را از ماشین بیرون کشیدیم، عراقی‌ها به‌سرعت ۴–۵ نفر به سراغ من و یک عده‌ای هم به سراغ شهید شریف‌قنوتی رفتند. عراقی‌ها بیشتر متوجه شیخ شریف بودند تا من. آنها خیلی خوشحال بوند که شیخ شریف را اسیر کرده‌اند. آنها خیال می‌کردند، امام خمینی را اسیر کرده‌اند. آنها اطراف شیخ را گرفته بودند و حوسه (رقص) می‌کردند و فریاد می‌زدند: «اسرنا الخیمنی! اسرنا الخیمنی؛ ما خمینی را اسیر کرده‌ایم.»

عراقی‌ها مرا به باد کتک گرفتند، ۴–۳ متر با شیخ فاصله داشتیم، نگرانش بودم، تمام حواسم به او بود. شیخ فقط می‌گفت: الله‌اکبر، لاله الا الله... استقامت، پایداری، شجاعت و مردانگی او درمقابل عراقی‌ها در آن لحظه، چنان انگیزه و جرأتی در من ایجاد کرد. گرچه

مجروح بودم و بینی و کتفم را هم شکسته بودند؛ اما موفق نشدند، زبان مرا باز کنند و بفهمند که من عربم یا عجم.

• **شیخ شریف‌در میان عراقی‌ها**

چندین گلوله به بدن شیخ شریف اصابت کرده بود و خون همچنان از بدنش جاری بود. به‌خاطر بی‌خوابی شبها و روزهای گذشته و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و مجاهدت‌ها و گرسنگی و تشنگی، دیگر رمقی برایش نمانده بود. عراقی‌ها به دست راست و به پاشنه پای راست او شلیک کردند؛ اما او چون کوهی سرافراز و استوار ایستاده بود و به زبان عربی به آنها می‌گفت: چرا باید بر علیه یک کشور مسلمان بجنگید و از بیگانگان و کافران فرمان ببرید؟ اما جلادان یعنی می‌گفتند: این فرمانده و الگوی مقاومت است. آنها شیخ را به رگبار بستند به‌گونه‌ای که ران‌های این روحانی بزرگوار سوراخ، سوراخ شد. حدود ده نفر از جلادان یعنی، او را می‌زدند، شیخ تکبیر(الله‌اکبر) می‌گفت و آنها می‌زدند. عراقی‌ها همان‌طور که اطراف شهید شریف‌قنوتی حوسه و هلهله و پایکوبی می‌کردند، باسرنیزه عمامه شیخ را برداشتند و در هوا می‌چرخاندند و فریاد می‌زدند: اَسْرَنا الخُمینی، اَسْرَنا الخُمینی، ما خمینی را اسیر کرده‌ایم... با اینکه شیخ مجروح بود، آنها می‌زدند و روی زمین می‌کشیدند. شیخ به زمین می‌افتاد؛ ولی دوباره برمی‌خاست. شیخ درآخرین ایستادن، به زحمت بیهواست و چون کوه سر پا ایستاد و با همان وضعیت، با صدای بلند به زبان عربی گفت: «اَلْیَوْمَ خُمَینی حُسَینٌ و صَدام یزیدُ» امروز خمینی، حسین زمان و صدام یزید زمان است. از زیر بیرق یزید بیرون بروید و زیر پرچم حسین علیه السلام قرار بگیرید. درآن لحظه فرمانده عراقی‌ها که شخص سیه‌چهره، بلندقامت و تنومندی بود، همچون شمر، با کارد سنگری (سرنیزه کلاشینکف) به طرف شیخ شریف حمله‌ور شد. من متحیر ماندم که این دشمن خدا با شیخ شریف چه می‌خواهد بکند؟ او به‌محض اینکه به شیخ رسید، از سمت چپ سرنیزه را در شقیقه شیخ فرو برد و چرخاند. فریاد شیخ به تکبیر(الله‌اکبر) بلند شد.

آن دزخیم ضربه دوم را که زد، از شیخ فقط آیه استرجاع (اِنَّالله وَاَنَاالیه راجعون) شنیده شد.

آن سفاک با ضربه سوم که پیشانی شیخ را از هم درید، شیخ زبان را لای دو دندان گذاشت و فشرد تا حسرت شنیدن ناله را به دل دشمن بگذارد. آن فرمانده عراقی کاسه سرشیخ را برداشت وجمجمه اش رااز محل عمامه جدا نمود و محاسنش را به خون سرش رنگین کرد؛ ولی صدای ناله شهید شریف‌قنوتی را نشنیدند. در این حال مغز سر شیخ نمایان شد و پس از افتادن کاسه سر شیخ به روی آسفالت گرم خیابان چهل‌متری خرمشهر، مغز سر شیخ نیز به روی زمین... در این حال، بدن مقدس شیخ به آرامی به‌حالت نشسته و دوزانو، کنار ماشین روی زمین قرار گرفت. آنها چشمان شیخ را نیز از حلقه بیرون آوردند و آن بزرگوار را مُثله نمودند تا نمادی باشد از شهدای کربلا در روزعاشورا....

واین‌گونه بود که شیخ به مقام شهیدان شاهد نائل شد. که البته این آخر کار نبود. بعضی‌های جنایت‌کار در اطراف بدن مقدس شیخ شریف، به رقص و پای‌کوبی پرداختند و فریاد می‌زدند:

قَتَلْنَا الخُمَینی، قَتَلْنَا الخُمَینی، ما خمینی را کشتیم ؛... چراکه چهره شیخ شریف برای عراقی‌ها در حکم چهره امام خمینی بود. آنها وحشت عجیبی از شیخ شریف داشتند.

• **خبراز چگونگی شهادت**

آن‌گونه شد که شهید شریف‌قنوتی در سال ۱۳۵۲ حدود هفت سال قبل از شهادتش گفته بود: فرق من باید مانند مولایم امیرالمؤمنین علی علیه السلام شکافته شود. روح عاشق او ۲۴ مهرماه ۱۳۵۹ ه‍.ش، به خطیره قدس پَرکشید. معشوق من! آمدم هجران به سرآمد. آغوش بازکن! این بار حسن، حُسن‌گونه می‌آید...

سفاکان بعضی بعد از آن همه جنایت، عمامه را به گردن شهید بستند و او را از ساختمان دوطبقه‌ای که درخیابان چهل‌متری خرمشهر بود، آویزان کردند تا شاهی‌ی باشد برای همیشه تاریخ مظلومیت شیعه و سند جنایت سفاکان و مدال مقاومت برای همه حق‌طلبان تا روز قیامت....



در ابتدای جلسه حجت‌الاسلام والمسلمین علی بنایی، رئیس دانشگاه طلوع مهر نیز، با تأکید بر اهمیت موضوع آموزش همراه با صیانت از موازین اخلاقی در این دانشگاه، اظهار کرد: دانشگاه طلوع مهر، به موضوع آموزش توجه شایانی دارد و در عین حال تلاش می‌کند، فضایی همراه با آرامش را برای فراگیران خود فراهم آورد.

در پایان تفاهم‌نامه همکاری میان جامعة المصطفی العالمیه و دانشگاه طلوع مهر و نیز مجتمع آموزش‌عالی قرآن و حدیث جامعة المصطفی و انجمن علمی قرآن و تحول علوم ایران، توسط رؤسای این مراکز به‌امضا رسید.

حجت‌الاسلام والمسلمین عباسی

۴۰۰ تشکل طلبگی از ۱۳۰ ملیت در المصطفی فعالیت دارند

رشته، گرایش و مقطع در سه حوزه اصلی علوم اسلامی، علوم انسانی و زبان و فرهنگ‌شناسی، توضیحاتی را درباره هرکدام از این شاخه‌ها ارائه نمود و افزود: رشته‌های المصطفی به دو شکل سطوح حوزوی و مقاطع دانشگاهی ارائه می‌شود؛ همچنین بخش دانشگاه مجازی المصطفی و نیز مؤسسه آموزش‌های کوتاه‌مدت و فرصت‌های مطالعاتی، از دیگر خدمات آموزشی المصطفی به‌شمار می‌آید.

وی یکی از مهم‌ترین خدمات و دستاوردهای جامعة المصطفی را توسعه زبان فارسی در سطح بین‌المللی خواند و تصریح کرد: امروز بسیاری از دانش‌آموختگان المصطفی در سراسر جهان، با تسلط به زبان فارسی آماده همکاری با بخش‌های مختلف کشور هستند که سرمایه ارزشمندی برای کشور به‌شمار می‌آید. رئیس جامعة المصطفی، با ابراز خرسندی از امضای تفاهم‌نامه همکاری میان جامعة المصطفی و دانشگاه طلوع مهر، اظهار کرد: المصطفی آماده همکاری با مراکز علمی و دانشگاهی کشور در ابعاد بین‌المللی است و آماده است، تا تجربیات ارزشمند خود را در اختیار سایر مراکز علمی قرار دهد.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی عباسی، رئیس جامعة المصطفی العالمیه، ۱۳ مهر در نشست مشترک با رئیس دانشگاه طلوع مهر قم، با تشکر از میزبانی دانشگاه طلوع مهر از این جلسه هم‌اندیشی، افزود: زمینه‌های همکاری بسیار خوبی میان جامعة المصطفی و دانشگاه طلوع مهر وجود دارد که امیدواریم، با امضای تفاهم‌نامه همکاری، بتوانیم گام‌های بسیاری خوبی را برداریم.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت‌الاسلام والمسلمین عباسی ادامه داد: در جامعة المصطفی، حدود ۴۰۰ تشکل ملیتی مختلف طلاب فعالیت دارند که جمعیت قابل توجهی از فراگیران بین‌المللی را پوشش می‌دهد که فعالیت‌های متنوعی را در ایران و کشورهای خود به انجام می‌رسانند.

عضو خبرگان رهبری در ادامه، به معرفی معاونت‌های آموزشی و پژوهشی المصطفی علیه السلام پرداخت و افزود: فعالیت‌های علمی المصطفی، در قالب شش مجتمع اصلی تقسیم‌بندی شده است؛ مجتمع‌های قرآن و حدیث، تاریخ و سیره، فقه و اصول، حکمت و ادیان، علوم انسانی اسلامی و زبان، ادبیات و فرهنگ‌شناسی، ستون اصلی فعالیت‌های علمی المصطفی به‌شمار می‌آیند.

وی با اشاره به همکاری‌های علمی میان جامعة المصطفی و صدها دانشگاه داخل و خارج از کشور، به روند شکل‌گیری جامعة المصطفی هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی پرداخت و گفت: پس از انقلاب اسلامی در سراسر جهان علاقه بی‌سابقه‌ای برای